

## جریان شناسی نخبگانی در ایران معاصر؛ مطالعه موردی دوره قاجار

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

کد مقاله: ۹۷۴۹۴

رضا پریزاد<sup>۱</sup>، امیر هادی منش<sup>۲\*</sup>

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی تحولاتی است که نخبگان معاصر با حضور در صحنه‌های مختلف سیاسی اجتماعی ایجاد نموده و یا در سرعت بخشیدن به آن تحولات نقش داشتند. تحقیق پیش رو پاسخی به تحریف‌های قسمت‌هایی از تاریخ معاصر کشورمان است که منابع مطالعاتی آن به طور عمده توسط صاحب‌منصبان و مستشرقین غربی و وابستگان به بیگانه تدوین نموده‌اند. نویسنده تلاش نموده است برای رسیدن به واقعیات جریان‌های تاریخی ضمن بررسی جامعه نخبگانی معاصر و در نظر داشتن عدم سوگیری و پیش‌داوری با شناخت کامل نسبت به افکار و عقاید نخبگان معاصر از منابع مورد نظر استفاده نکند. روش این تحقیق بر اساس درک شرایط گذار از مدرنیته در ایران و مطالعه تاریخ سیاسی، اجتماعی کشور به شیوه توصیفی و تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روش شناسی مقاله نیز در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی قرار دارد. در بررسی عملکرد نخبگان حاکم، نخست به تبیین عملکرد نخبگان دوره قاجار پرداخته شد و در نتیجه ساختار قدرت سیاسی در عصر قاجار پدیدار خواهد شد.

واژگان کلیدی: قاجار، نخبگان سیاسی، حکومت، قدرت

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

۲- دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد (نویسنده مسئول)

از دیرباز تا کنون نخبگان هر جامعه ای با فرارگرفتن در کنار مردم کشور خود و دولت‌های‌شان سه ضلع یک «جامعه انسانی» را تشکیل می‌دهند. در دهه های اخیر نیز پیوند و ارتباط این سه ضلع با یکدیگر فرایندهای متوازی را در یک جامعه شکل می‌دهند هر چند در جامعه ای با شع ارموکراسی بر حضور مردم در صحنه های مختلف تأکید می شود، ولی وجود دولتی کارآمد و مشروع و از سوی دیگر حضور گروههای نخبگان در رده های مختلف اجتماعی سازمانی و نهادی از ضرورت‌های این جوامع است. امروزه تعدد نخبگان از مشخصه‌های جوامع مدرن بوده و هر روز شاهد ظهور نخبگان جدیدی در این جوامع هستیم که صاحب افکار و اندیشه‌هایی متفاوت می باشند که به طور معمول نماینده بخشی از جامعه یا اثر گذار بر آن بخش هستند و به طور قطع می‌توانند در آینده‌سازی جامعه خود سهم به سزایی داشته باشند به طور مثال می‌توان به نخبگان علمی، نخبگان سیاسی، نخبگان کارگری، نخبگان دانشجوی، نخبگان کشاورز و... یا حتی نخبگان دانش‌آموزی اشاره نمود کارآفرینان نیز می‌توانند فقط با داشتن مهارت‌های شغلی به یک نخبه تبدیل شوند. این کثرت افراد نخبه موجبات یک رقابت بین متخصصان در رشته‌های مختلف ایجاد نموده که این تخصص‌گرایی نمودی از گذار از سنت به مدرنیته می باشد.

اهمیت حضور مستمر نخبگان سیاسی در جامعه و حفظ ارتباط آنها با دولت و مردم به منظور کارشناسی امور و تولید اندیشه های تازه و راهگشا بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی این نخبگان و موانع رشد حضور آنان را در عرصه های گوناگون ضروری میکند. رویدادها و تحولات بزرگ تاریخی در عرصه های گوناگون، سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محصول مبارزه انسان برای دستیابی به جایگاه شایسته خویش در جامعه بوده است و توسعه یک جامعه به میزان تولید و ترویج علم و فرهنگ و به کارگیری آن در مدیریت دانش مدار آن جامعه بستگی دارد در این فرایند نیروهای انسانی مستعد و توانمند به عنوان تولیدکنندگان اصلی علم و فناوری و همچنین عامل تبدیل دانش به ثروت، رفاه و امنیت و تعادل تبادل و تعامل گروههای اجتماعی محور اصلی توسعه پایدار محسوب می شوند. در واقع، نخبگان سیاسی به خاطر قدرت تأثیرگذاری بر ساختار و عملکرد کل نظام سیاسی، با هیچ یک از پاره نظامهای سیاسی و اجتماعی قابل مقایسه نیستند و به همین دلیل است که محور اصلی بحث های علمای علوم اجتماعی در چهل سال اخیر را گروه نخبه سیاسی و ساختار عملکرد آنها تشکیل میدهد. (حسین زاده، محمد صالح، نخبگان سیاسی، کارکرد فرهنگی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی (۱۳۹۸) شماره ۱۰۸ صفحه ۱۱).

از مجموعه فرمایشات مقام معظم رهبری در این موضوع، در دیدار با نخبگان جوان علمی است که ایشان، می‌فرمایند: نخبگان می‌توانند علم کشور را پیشرفت بدهند و کشور را به موضع اقتدار و عزتی برسانند که آسیب‌پذیری‌هایش کاهش پیدا کند. (بیانات، در دیدار با نخبگان ۱۳۹۶/۷/۲۶). و همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: اول، احساس شکر میکنم؛ شکر خدای متعال؛ ما بکم من نعمه فَمِنْ اللَّهِ [نحل ۵۳] شما نعمت خدا هستید برای ما؛ عطیه‌ی الهی برای دلسوزان نظام محسوب میشوید. برای ما - کسانی که عمر طولانی گذرانده‌اند- شما جوان‌ها حقیقتاً یک لطف الهی و نعمت الهی هستید؛ شکر. دوم امید؛ به آینده کشور اهمیت می‌دهیم؛ به افقی که در مقابل چشم‌مان هست اهمیت می‌دهیم؛ شما را که انسان می‌بیند، امیدوار می‌شود به اینکه این آینده، آن‌چنان که امید و آرزو داشتیم ان‌شاءالله تحقق پیدا خواهد کرد. در جایی دیگر نسبت به مسئولین کشور می‌فرمایند: باور کنید که این نخبه، قادر است سرنوشت کشور را آن‌چنان که مورد قبول و رضایت و روشنی چشم همه باشد، تغییر بدهد. (بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۱۳۹۶/۷/۲۶)

از آنجایی که هر جامعه نیاز به توسعه و پیشرفت دارد و این دو مقوله بدون مشارکت مردم و نخبگان چنین دگرگونی‌های شگرفی رخ نمی‌دهد. در سده معاصر ایران نخبگان علمی و فکری یکی از عوامل اصلی توسعه سیاسی و اجتماعی و تحول فرهنگی بوده‌اند. نویسندگان روشن فکران اساتید دانشگاه روزنامه نگاران و پژوهشگران از طریق طرح و اشاعه چشم اندازها، اندیشه ها و مفاهیم تازه و همچنین ارائه الگوهای بدیع فرهنگی و سیاسی و نیز انتقاد و آگاه سازی مردم از شرایط اجتماعی خود، در تحولات معاصر نقش برجسته ای داشته‌اند.

## ۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

نظر به اهمیت موضوع امنیت در جامعه و نقش بی بدیل نخبگان قدرت و سیاست در آن، اهمیت این تحقیق در موارد ذیل قابل بررسی می باشد.

الف. امنیت بیشترین سهم از ارزش های اساسی و منافع ضروری و حیاتی یک ملت را به عنوان اصل برای خود قرار داده است که می بایست در فرایند حراست و پاسداری از آن نقش نخبگان مورد کنکاش قرار بگیرد چرا که نقش نخبگان در ارتقای سطح امنیت در گرو مشارکت کردن ایشان می باشد.

ب. نخبگان در هر عصر و زمانه محصول گفتمان ها و میداین کارزار و ساختارهای سیاسی می باشند که از این منظر تحلیل کارکردهای ایشان در مدیریت امنیت از دیگر ضرورت های این تحقیق به شمار خواهد آمد.

ج . تحلیل تاثیرگذاری تاریخی نخبگان می تواند در افزایش سطح امنیت و کاهش آسیب پذیری در حوزه امنیت و حکومت داری باشد.

### ۳- پیشینه تحقیق

علیرضا ازغندی (۱۳۸۵) در کتابی تحت عنوان نخبگان سیاسی بین دو انقلاب آرا و اندیشه های مختلفی را پیرامون الیتسیم و نخبه گرایی با تاکید بر دیدگاه های پاره تو و موسکا آورده است و به این سؤالات پاسخ داده است که آیا نخبگان در ایران از قدیم الایام تا به حال از یک طبقه یا قشر خاصی برآمده اند؟ به لحاظ برخورداری علمی و کسب تحصیلات آکادمیک نسبت به سایر گروه های اجتماعی چگونه وضعیتی داشته اند و پیرامو کارکردهای نخبگان و اثرگذاری ایشان مباحثی را مطرح کرده اند.

رحمت الله صدیقی سروستانی (۱۳۹۰) در یک مقاله با عنوان نخبگان قدرت در شهر تهران و نقش تصمیم گیران در مسائل اجتماعی، با استفاده از نظریه نخبگان قدرت و با رویکردی نهادی ، انواع گروه قدرت و مناسبات بینابین ایشان را در تهران مورد بحث قرار داده است

زهره فلاح رحمت آبادی (۱۳۹۰) پایان نامه خود را با موضوع بررسی فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی بر توسعه نیافتگی ایران پس از انقلاب اسلامی نگاشته است ایشان در پژوهش خود به تبیین شاخصه های توسعه سیاسی و تعریف شاخصه های فرهنگ سیاسی و به نسبت میان نخبگان و فرهنگ و توسعه می پردازد.

مجید استوار (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان گذار به دموکراسی در ایران با تاکید بر نقش نخبگان حاکم به تبیین رابطه میان ماهیت نخبگان حام و میدان سیاسی و گذار به دموکراسی در ایران پرداخته است . ایشان در مقاله خود وضعیت گذار را در ایران متضمن تحکیم نخبگان حاکم می دانند و برای رسیدن به این منظور ضمن بررسی عملکرد نخبگان حاکم در ایران به موانع عمده گذار به دموکراسی اشاره نموده است .

### ۴- روش تحقیق

از آنجا که درک شرایط گذار در ایران منوط به مطالعه تاریخ سیاسی ، اجتماعی کشور است، از این رو بخش های این مقاله به شیوه توصیفی و تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت روش شناسی مقاله نیز در پارچوب جامعه شناسی تاریخی قرار دارد. در این تحقیق به صورت کتابخانه ای و بررسی اسناد معتبر انجام شده است؛ بررسی چند تن از نخبگان صاحب قدرت در دوره قاجار را ارئه خواهیم کرد.

### ۵- پادشاهان سلسله قاجار

#### ۵-۱- آقا محمد خان قاجار

فتحعلی خان قاجار دو پسر داشت به نام های محمد حسن خان و محمد حسین خان که محمد حسین خان در کودکی درگذشت و محمد حسن خان متولد ۱۱۲۷ ه.ق که هنگام قتل پدر دوازده سال داشت برجای فتحعلی خان به ریاست ایل قاجار رسید. و چون به سن رشد رسید به میان طوایف ترکمن رفت و ایشان را با خود همراه کرد و توانست استرآباد را بگیرد. اما وقتی نادر سپاهی را برای سرکوب او فرستاد پس از شکست محمد حسن خان تا قتل نادر در بیابان ها سرگردان بود. (امین زاده: ۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۴) در احوالات ایشان پس از شکست از نادر آمده است که ...بجانب دشت قیچان فرار نمده بود و نادر پادشاه کمال سعی و اهتمام نمود که آن والجاه را بچنگ آورد، که نتوانست و محمد حسن خان مدت هفت سال (دردشت قیچاق ) به خوردن گوشت شکار معاش نمود و کلاهش پوشیده شد و با سر برهنه می گشت... (لسان الملک سپهر ۱۳۷۷: ۴۳۷)

بعد از کشته شدن نادرشاه دوباره محمد حسن خان به استرآباد برگشت و موفق شد فتوحاتی انجام دهد. بعد از مدتی به شیراز لشگر کشی کرد که موفق نبود و بواسطه کریم خان زند سر از تن او جداگشت. (نفیسی، ۷۲: ۵۰)

آقا محمد خان متولد (۱۱۵۴ ه.ق) فرزند ارشد محمد حسن توانست سلسله قاجاریه را تاسیس نماید او بعد از کشته شدن پدرش به دشت قیچاق رفت و یک ند در میان ترکمن ها بود و بعد از مدتی به قصد سرکشی به استرآباد رفت ولی خیلی زود مغلوب کریم خان زند گردید و در دربار کریم خان صاحب احترام گردید. و گاهی برای تفریح و شکار به اطراف شیراز می رفت که اجازه بیرون رفتن از حوزه شیراز را نداشت، روزی که کریم خان زند درگذشت آقا محمد خان که از روی احتیاط و دوراندیشی به عنوان شکار خارج از شهر رفته بود توانست با تباری همسر کریم خان که عمه اش بود از شیراز به سمت اصفهان رفته و از آنجا به استرآباد برود و در آنجا اعلام استقلال نماید و آرام آرام بساط حکومتی خود را توسعه دهد و بتواند در سال ۱۲۰۶ ه.ق شیراز پایتخت زندیه را

تصرف نماید. او با کشتن لطفعلی خان زند (آخرین دودمان زندیه) توانست سلطنت دودمان زندیه را خاتمه دهد و مابقی مخالفان را از میان بردارد. خورموجی (۱۳۶۳: ۶)

آقا محمد خان به حتی به جان برادران خود نیز رحم نکرد و همگی را یا کشت و یا چشم‌هایشان را کور نمود. فقط برادرش مرتضی قلی خان توانست به روسیه فرار کند و جان سالم به در ببرد. علیقلی خان برادر دیگر او اگر کشته نشد ولی سفارش نمود به محض رسیدن به سلطنت چشمانش را کور کنند. فتحعلی شاه نیز سخن عمومی خونخوارش (آقامحمدخان) را به گوش جان شنید و در روزهای اول سلطنت خود دستور داد علیقلی خان را کور کرده و به مازندران بفرستند. (نوابی؛ ۱۳۴۸، ۳۲۰)

هرچند سلسله قاجار و تثبیت حکومت آقا محمد خان با اعمال وحشیانه مواجه بود ولی ذکر این نکته ضروری است که این حرکت در راستای جلوگیری از تجزیه هر چه بیشتر ایران امری مفید بود. وجود حکومت‌های کوچک و بزرگ در نقاط مختلف ایران بویژه حکومت جداگانه زندیه در فارس و افشاریه در خراسان تهدید جدی برای تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شد که با تشکیل حکومت مقتدر مرکزی توس طاریالا محمد خان از بین رفت.

در برخی کتب تاریخی برای موفقیت‌های آقا محمد خان قاجار دلایلی ذکر شده است که از جمله آن می‌توان به این موارد اشاره نمود: آقا محمد خان در طول حکومت خود چیزی جز پیروزی نمی‌شناخت. در کلیه عملیات‌های نظامی چه برای در هم شکستن مدعتان سلطنت و چه برای سرکوبی تجزیه طلب‌ها، پیروز نهایی میدان جنگ بود. عوامل دخیل در تمامی این پیروزی‌ها عبارت بودند از: تهور و تدبیر، رعایت اصل غافلگیری، سرعت عمل و بکارگیری تاکتیک‌های جدید و مناسب. در توضیح مورد آخر اینکه به گواه تاریخ شیوه جنگی ایرانیان از دوران کورش تا نادر هیچ‌گونه تغییر اساسی پیدا نکرد (باقری؛ ۱۳۷۱: ۶۶) ولی در دوران او شاهد بکارگیری بعضی از شیوه‌های نوین و ابتکاری بوده ایم. البته ایشان هیچ وقت در هیچ جنگی دشمن را دست کم نمی‌گرفت و این اینان دلایل پیروزی‌های پی‌درپی این شاه قاجار بود.

## ۵-۲- فتحعلی شاه قاجار

فتحعلی شاه دومین پادشاه سلسله قاجار بود که (۳۸ سال) ۱۲۵۰ - ۱۲۱۲ ه.ق سلطنت کرد. حکومت قاجار در دوران وی پس از نبردهای درازدامن با روسیه تزاری و انعقاد پیمان‌هایی با دولت‌های بزرگ اروپایی و سرکوب مخالفان داخلی، تثبیت شد و شکل کلی این حکومت بر پایه برنامه او، معین شد. در تبیین مفهوم خودکامگی مطلق با استفاده از تعریف‌های پیشرفته جامعه علمی آکادمیک در رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی و بر پایه داده‌های تاریخی، میتوان به شرح و بسط دقیق‌تری پرداخت. از دید نظری، واژه فارسی «خودکامگی» با «استیواد» عربی معادل است و بیشتر در برابر (Absolutism) انگلیسی نهاده می‌شود و مقصود از آن، ساختن سیاسی با دو ویژگی زیر است:

۱. محدود نبودن قدرت حکومت به حدود سنتی یا قانونی؛

۲. گستره دامنه قدرت خودسرانه (آشوری؛ ۱۳۷۶: ۲۵)

تصویر برآمده از منابع دست اول تاریخی درباره میزان اختیارات و اقتدار فتحعلی شاه نیز با همه تعریف‌های یاد شده سازگار است. این منابع فتحعلی شاه را حاکمی می‌خوانند که نه تنها اقتدار سیاسی که همه ارکان زندگی مردمان کشورش را در دست خود داشت؛ چنان‌که مورخی از مورخان هم روزگار شاه، او را «خواجه کاینات و افسر موجودات» و «شاهنشاه اعظم، مالک رقاب اُمم، خسرو ترک و عجم، فرمان‌فرمای بنی‌آدم» می‌خوانند. (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۸ - ۲۷) همچنی کاربرد لقب «حضرت گردون رُبت ظل الهی» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۲۹) نیز اشاره دیگری به اقتدار مطلق شاه قاجار است که هر شک و تردیدی را درباره اختیارات بی‌پایان او یا نافرمانی وی، معادل عصیان الهی برمی‌شمرد، کاوش و ستیزه با برداشته دست خدای زیر دستان را باعث نگون‌ساری و کوه بلا به خود کشیدن است و نافرمانی به اوامر و نواهی ظل خداوند رهنما، سبب خواری و به سر منزل ضلالت و خذلان رسیدن است. (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

در این دوران کشور ایران دستخوش عقب‌ماندگی‌های چشمگیری گردید، این موضوع برخلاف دوران آقا محمد خان نیز بود. در زمان سلطنت فتحعلی شاه جز شکست و عقب‌ماندگی مشاهده نمی‌شد در این زمان قافله‌علی‌متمدن در دیگر نقاط جهان به سرعت در حال رشد و تکامل بود. در امور سیاسی و نظامی مردان بزرگی همچون مترنیخ در اتریش، الکساندر در روسیه و ناپلئون بناپارت در فرانسه طرح‌های مهمی در جهت پیشرفت کشورهای خود در دست اجرا داشتند. این در حالی بود که در ایران شخصی مانند فتحعلی شاه که نه تنها از اوضاع جهانی بلکه از موقعیت جغرافیایی کشور خود نیز آگاهی لازم را نداشتند راس قرار گرفته بود و مهمتر آنکه خود را شاه شاهان می‌دانست و کلیه زمامداران بزرگ معاصر را دست‌نشانده خود تلقی می‌کرد.

به تبیین دقیقی درباره چگونگی حکومت مطلقه فتحعلی شاه از دید مورخان اشاره شد. از اینرو، در این قسمت تنها گزارش دو تن از اروپاییان عصر فتحعلی شاه قاجار خواهد آمد که به ایران سفر کرده و خود با شاه دیدار و گفتگو کرده‌اند. نوشته‌های آنان

نوع خودکامگی مطلق شاه ایران را به خوبی روشن میکند. گزارش نخست از آن فردی فرانسوی است که فرستاده ناپلئون بناپارت به ایران بوده و می‌خواست طرح اتحاد ایران و فرانسه را در برابر روسیه و انگلستان به پیش ببرد، او می‌نویسد:

شاه همه اتباع خود را به چشم بندگان می‌بیند و املاک آنان را چون تاراجی می‌داند که می‌تواند مال خود بشناسد. از اینجاست که سستی و بی‌قیدی عمومی پدید می‌آید که همه قدرت روانی را به نوعی نابود می‌سازد. ایرانیان معتقد که داوری جز خواست شاه قاعده و قانونی ندارد، سر را زیر یوغ او می‌آورند و حتی درک نمی‌کنند که می‌شود خود را از این قید رها ساخت ... به چشم آنان حق معنا ندارد و زور همه چیز است (ژوهر ۱۳۴۷؛ ۲۴۷)

به طور کلی عواملی که در این دوره موجبات عقب ماندگی کشور ایران را رقم می‌زند عبارتند از:

الف. عدم شجاعت و تدبیر لازم و کافی در امور توسط شاه: با توجه به شرایط پیچیده زمان و تشدید رقابت های جهانی و اهمیتی که ایران برای قدرت های بزرگ مانند انگلیس، روسیه و همچنین فرانسه داشت، نیاز به زمامداری شجاع و با تدبیر بود. وی در طول دوران زمامداری در بسیاری از مسائل بسیار ساده در خدمت اهداف استعماری قدرت هایی بزرگ جهان قرار می گرفت که نمونه آن در حمله به هرات بود که باعث پیروزی بزرگی برای انگلیس در هندوستان گردید ، در نهایت ایران مجبور شد مجدد به مرزهای قبل از شروع جنگ برگردد. (مدنی ۱۳۸۶؛ ۹۹/۱-۱۰۱)

ب. خست فتحعلی شاه : این خصوصیت اخلاقی او باعث شد حتی در اوج نیاز عباس میرزا به پشتیبانی های شاه، از رساندن کمک های لازم به وی در جبهه های جنگ خودداری کند. در حالی که او توانایی مساعدت داشت حتی از پرداخت حقوق و آذوقه سربازان خودداری کرد. شاه از عباس میرزا می خواست که مخارج سنگین جنگ با روسیه را از جمع آوری مالیات استان های همجوار جبهه های جنگ تهیه نماید. در صورتی که این استان ها به علت تحمل خسارت ها و تلفات سنگین حتی از اداره زندگی خود نیز عاجز بودند .

ج. عدم آگاهی از اوضاع جهانی: علاوه بر موفقیت استراتژیک ایران در منطقه و اهمیت آن برای استعمارگران جهانی، ایران راه مناسب برای رسیدن کشورهایی همچون روسیه و فرانسه به هندوستان بود و انگلیس نیز برای عدم تحقق این چنین مساله ای توجه خاص به ایران داشت با این چنین پیچیدگی هایی که در سیاست جهانی وجود داشت عدم آگاهی فتحعلی شاه توانست شکست های جبران ناپذیری را نصیب ایران کند.

د. حرم سرا: از حرم سرا باید به عنوان کانون فتنه ، فساد و درگیری های داخلی یاد کرد. بر اساس اسناد تاریخی فتحعلی شاه حدود هزار زن داشته و نام بیش از صد فرزند وی در تاریخ آمده است، و طبیعی بوده که با چنین حرم سرای عریض و طولی بتوان وقت لازم را برا رسیدگی به امور مهم کشوری و لشگری را داشته باشد و از مهم ترین دلایل غفلت وی از اوضاع جهانی نیز همین مسئله بوده است. (تلاشان ۱۳۸۱؛ ۲۲-۲۳)

### ۵-۳- محمدشاه قاجار

با جلوس محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق) بر تخت پادشاهی محمد شاه قاجار نوه فتحعلی شاه و فرزند ارشد عباس میرزا در سال ۱۲۱۲ هجری قمری متولد شد. بعد از فوت عباس میرزا، فتحعلی شاه قاجار با این که فرزندان بسیاری داشت به دلیل علاقه اش به عباس میرزا فرزند او محمد میرزا را به ولیعهدی انتخاب کرد و او به آذربایجان رفت و در تبریز در جایگاه خاصه ولیعهدهای ایران در زمان قاجاریه به تخت نیابت سلطنت نشست. محمد میرزا پس از مرگ پدر بزرگ خویش فتحعلی شاه به کمک قائم مقام دوم در تبریز به نام محمد شاه قاجار به تخت سلطنت نشست و به همراهی سفیران انگلیس و روس و سپاهی مجهز به توپخانه، به تهران رفت.

محمدشاه که در پی مرگ عباس میرزا روند مدرن سازی را ادامه داد. مدرن سازی دوره ی محمدشاه ادامه مدرن سازی عصر عباس میرزا و کانون اصلی آن ایجاد «نظام جدید» یا «مدرنیزاسیون» سپاه و اسلحه بود. وی به منظور افزایش توان ارتش، سیاست جذب مریبان نظامی، و صنعتگران اروپایی را دنبال کرد. در این شرایط محمدشاه و صدراعظم های او (میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و حاجی میرزا آقاسی)، با اعزام محصل، مأموران و سفیران و برخی شاهزادگان به اروپا، امکان مشاهده ی مستقیم ایرانیان از وجوه تمدن اروپایی را فراهم ساختند. از این پس، اطلاعاتی که توسط مأموران اعزامی به اروپا به ایران منتقل شد، علاوه بر حوزه ی نظامی، به حوزه ی اجتماعی و مدنی نیز توسعه پیدا کرد. آن چه در این دوره انجام شد چیزی جز تمهید مقدمات اصول و لوازم مدرن سازی نبود. کوتاهی عمر دولت محمدشاه (۱۴سال) درمقایسه با دوران قبل و بعد به همراه مسایل و مشکلات سیاسی و اجتماعی روند تحقق مدرن سازی را کند کرد. ام ا در عهد جانشینی وی، فرصتی استثنایی برای میرزاتقی خان فراهانی فراهم کرد تا با تکیه بر مقام صدارت به مدرن سازی همّت گمارد.

سرانجام محمد شاه قاجار در سن ۴۲ سالگی بعد از ۱۴ سال و ۳ ماه سلطنت در ششم شوال سال ۱۲۶۴ هجری قمری به مرض نقرس از دنیا رفت و در حرم فاطمه معصومه به خاک سپرده شد.

## ۵-۴- ناصرالدین شاه

حکومت ناصرالدین شاه در سالهای ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق یکی از مهمترین ادوار به لحاظ سیاسی ایران می باشد. در این دوره نخبگان دولتی و کنشگران فکری در تحلیل منشا حق حکمرانی و توجیه آن عصری با نشاط را رقم زدند. با اندکی مطالعه دوره ناصرالدین شاه از منظر اندیشه و کنش سیاسی، مشخص می شود که این دوره دربردارنده وضعیت گذار از سلطنت مطلقه به سبک جدید است این دگرگونی در قالب ظهور سوژه های جدید و طرح دولت مدرن و جدایی دولت از دربار آشکار شد.

شروع این فرایند گذار از سال ۱۲۷۶ ه.ق شروع شد که شاه با حکمی شش وزیر را به ریاست وزارت خانه هایشان منصوب کرد که این وزار می بایست به شاه پاسخگو باشند. بیست و دو سال این وزارتخانه ها در حال تغییرات بودند و قوانین جدیدی نوشته می شد تا اینکه شاه قاجار متأثر از سفرهای فرهنگ در فرمانی به وزرا اعلم کرد که قسمت از امور دولت جزئی و کلی مختار و مجازند آنچه را که صلاح می دانند از طرف دربار رد نخواهد شد. (احمد زاده، ۱۳۹۶؛ ۹-۱۰)

به لحاظ دینی دوران طولانی سلطنت ناصرالدین شاه که حدود نیم قرن به طول انجامید، از دوره هایی است که دولت ایران به نسبت قبل و بعد از آن با مشکلات داخلی و خارجی کمتری روبرو بود. از این رو، مناسبات با حجاز نیز خوب بود.

در عصر قاجار، اساس سیاست عثمانی بر مبنای دوستی با ایران بود که پایه ایجاد تسهیلات برای حج گزاری ایرانیان شد؛ زیرا عثمانی ها در این دوره حساسیت عصر صفوی را نداشتند و روابط دو کشور رو به بهبود بود. هر دو دولت زیر فشار روسیه بودند و هر دو نیز ضعیف بودند و باید به هم نزدیک می شدند، چنان که ناصرالدین شاه پس از بازگشت از اروپا با سلطان عثمانی دیدار کرد.

مکاتبات بسیاری میان دو دولت وجود دارد که بیشتر درباره رعایت حال حجاج و لزوم برخورد با راهزنان است. سرقت اموال حجاج در این دوره، بیشتر در قلمرو عثمانی و حدود شامات و در جاهایی مانند حلب صورت می گرفت. (ویلیم، فلور، ۱۳۶۸؛ ۱۴۱)

از جمله اقداماتی که دولت عثمانی در این زمان انجام داد، این بود که در سال ۱۲۶۱ ه. ق، حکومت عثمانی به امیر مکه شریف محمد بن عون دستور داد با حجاج ایرانی رفتار مناسبی داشته باشند. در حکومت ناصرالدین شاه بسیاری از شاهزاده های قاجار و برخی صاحب منصبان به سفر حج می رفتند که عبد الکریم میرزا از آن جمله بود. در سال ۱۲۶۳ ه. ق به دولت عثمانی اطلاع داده شد که مادر شاه ایران، مهد علیا و آصف الدوله قاجار قصد عزیمت به سفر حج دارند. محمد خان، مصلحت گذار دولت ایران در این تقریر آورده است:

... بر مبنای روابط خوب و مصافت کامل بر اساس معاهده بین سلطنت سنیه علیه و دولت بهیه ایران و بر مبنای مقتضای جمعیت اسلام در اثنای راه در حق، مشار الیهما حرمت کامل و رعایت فایق و لازم اجرا شود....

یکی از همسران شاه نیز بعدها در سلطنت مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۳ ه. ق به سفر حج رفت. یکی از آثار مسافرت به حرمین شریفین، برجای ماندن سفرنامه های متعدد حج از ایشان است. در همین دوره، برخی دولت مردان ایران از عثمانی درخواست کردند تا با تعمیر و تزئین قبور ایمه بقیع موافقت کند، چنان که وزیر اعظم ناصرالدین شاه، میرزا علی اصغر خان (م ۱۳۲۵ ه. ق) خواست بقعه امام حسن مجتبی (ع) را بنا کند، اما به او اجازه ندادند. (جعفریان، رسول، ۱۳۸۹؛ ۵/۴۶۵)

پیرامون صفات و ویژگی های ناصرالدین شاه مورخان اینگونه آورده اند که: در پرخوری و زنباری اشتهایی کامل داشت و فکر و ذکرش در سفرنامه ها بیشتر معطوف به این دست از مسائل بود. صفحات سفرنامه هایش پر از اشارات مفصل به «زنان بسیار زیبا» است و سودایش بیشتر ایجاد نوعی رابطه با زنان و دختران فرنگی بوده است که به طور مکرر در آن سفرنامه ها آمده است. (میلانی، ۱۳۷۲؛ ۳۷۶)

در مورد استبداد روزافزون ناصرالدین شاه قابل ذکر است که ظلم و زور و تعدی باعث نارضایتی مردم می گردید. هرچه از دوران سلطنت ناصرالدین شاه می گذشت وی مستبد تر می شد در نتیجه بر نارضایتی ها افزون می گردید همین مساله زمینه را برای یک شورش عمومی فراهم می ساخت سفرهای شاه به اروپا و آشنایی او با نظام های دموکراتیک در غرب نه تنها باعث اصلاحاتی در نظام استبدادی نشد بلکه از ترس این که مبادا با آشنایی مردم از این نظام ها خواستار تحول در نظام موجود شوند، بر خفقان موجود افزود. ناصرالدین شاه همانند زمین شوره زاری بود که ریزش باران نه تنها باعث رویش گیاهان و درختان پرثمر در آن نمی شود بلکه باعث رویدن خار و خاشاک نیز می گردد.

رشته گرفتن با عناوین مختلف هم از جمله پیشکشی، تقدیمی، هدیه، سیورسات، در بین حکام، درباریان و کارمندان دولت امری رایج بود به طوری که برای اشتغال به کارهای دولتی آنچه که مهم بود درآمدهای جنبی آن بود مناصب و مشاغل دولتی خرید و فروش می شد. طبیعی بود از این مناصب خریداری شده مانند یک کالا انتظار سوددهی می رفت و تنها چیزی که مطرح نبود خدمت به میهن و مردم بود. (تلاشان، ۱۳۸۱؛ ۸۸)

افزایش مخارج حرمسرا در زمان فتحعلی شاه باعث کمبود شده بود به همین جهت ناصرالدین شاه برای رفع این کمبود با گرفتن مالیات های سنگین سعی در حل مشکل داشت. مالیات دهندگان، مردم زحمتکش و طبقات محروم جامعه بودند که اغلب آنها از تهیه قوت لایموت خود نیز عاجز بودند. این فشار بیش از حد بر رعایا زمینه را برای یک شورش عمومی آماده می ساخت. در

این بین خارجی‌ها برای گرفتن هر امتیاز رشوه‌هایی را به شاه، درباریان و حکام محلی می‌پرداختند تا به این وسیله زمینه را برای انعقاد قراردادهایشان فراهم سازند در رابطه با امتیاز رژی به غیر از رشوه‌های کلان که به شاه و درباریان پرداخته شد اداره مرکزی کمپانی مبلغ کلانی را جهت دادن رشوه به حکام محلی در نظر گرفت. (ورهام ۱۳۶۷؛ ۲۶۵-۲۶۶)

## ۶- قیام شیخ محمد خیابانی

شیخ محمد خیابانی از جمله جوانان برآمده از درون کوره انقلاب مشروطه بود که در سال ۱۲۹۷ ه.ق در قصبه خامنه از توابع شبستر متولد شد پدرش حاجی عبدالحمید تاجری بود که در شهر پتروفسکی روسه به امر تجار مشغول بود قبل و بعد از مشروطیت مبارزات گسترده‌ای علیه استبداد ترتیب داد (کریمی ۱۳۸۲؛ ۵۷) در دوران استبداد صغیر که مشروطیت در تمام ایران به ویژه تهران سرکوب شد؛ در تبریز مردم به رهبری مردانی همچون شیخ محمد خیابانی، ستارخان و باقرخان به مقاومت علیه استبداد ادامه دادند، تا آنکه دولت مرکزی قوای خود را برای سرکوبی مردم عازم تبریز کرد؛ همین مسأله باعث شد، فرصت مناسب برای حرکت مشروطه خواهان از گیلان و اصفهان به طرف تهران جهت احیای مجدد مشروطیت فراهم شود. وی از طرف مردم تبریز به عنوان نماینده در مجلس دوم حضور داشت.

در زمان جنگ جهانی اول و اشغال آذربایجان توسط عثمانی‌ها دلبرانه در مقابل آنان جنگید، تا اینکه در همین گیرودار توسط قوای اشغالگر دستگیر و زندانی شد؛ پس از پایان جنگ و آزادی از زندان یک گروه مسلح را سازماندهی و به مراکز و پادگانهای حمله کرد؛ و این مراکز را خلع سلاح و به تصرف خود در آورد؛ و به تدریج کل آذربایجان تحت تصرف وی درآمد. این جنبش همزمان با نخست وزیری وثوق الدوله و انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ توسط وی با دولت انگلیس بود. در واقع این حرکت به نوعی اعتراض علیه این قرارداد که یکسره ایران را در اختیار انگلیس قرار می‌داد، محسوب می‌شد.

وی حزب خود را دمکرات ملی نامگذاری کرد و پس از آزادکردن آذربایجان از دست قوای دولت مرکزی آن را آزادستان نامید. این حرکت همزمان با حضور قوای شوروی در ایران بود روس‌ها سعی داشتند از فرصت بدست آمده در راستای اهداف خود استفاده کنند، ولی به زودی متوجه شدند، این جنبش با آنها سازگاری ندارد. حتی برخلاف میرزا کوچک خان که به نوعی با شوروی‌ها مصالحه کرد، خیابانی حاضر به مصالحه با آنها نشد و استقبال میرزا کوچک خان از پیاده شدن نیروهای شوروی در بندرانزلی را به رغم ارتباطاتش با میرزا محکوم کرد. (لنزوسکی ۱۳۵۶؛ ۸۹۶)

شیخ محمد خیابانی با ارسال والی از طرف دولت مرکزی جهت حکومت آذربایجان مخالفت کرد ولی خواستار فرستادن پول جهت اداره امور آذربایجان شد. از مطالعه تاریخ می‌توان به خوبی پی برد که هدف شیخ محمد خیابانی در آذربایجان قیام علیه استبداد و استعمار و آزادی ایران از قید این دو بلای خانمانسوز بوده است. که تحقق هدف مذکور به دو طریق امکان پذیر بود. اول این که به طور مستقیم اقدام به تغییر و اصلاح حکومت مرکزی نمایند. دوم این که از طریق آزادسازی نقاط مختلف ایران به وسیله حرکت‌های مردمی مانند قیام جنگل به رهبری میرزا کوچک خان؛ موجبات تضعیف هرچه بیشتر حکومت مرکزی را فراهم کرده زمینه را برای حرکت هماهنگ همه نیروها به طرف تهران آماده و اقدام به تغییر نظام استبدادی و جایگزینی نظام نوین مردمی کنند.

پرواضح است که راه حل اول به علت عدم توانایی لازم نیروهای مردمی جهت رویارویی مستقیم و گسترده امکان پذیر نبود. بنابراین شیوه دوم توسط وی انتخاب و به اجرا گذاشته شد. در واقع جای این نگرانی وجود داشت که به رغم مقدس بودن اهداف شیخ محمد خیابانی؛ با توجه به نفوذ قدرت شوروی در ایران این حرکت مردمی مورد سوء استفاده آنها قرار گرفته استقلال و تمامیت ارضی کشور را در مخاطره جدی قرار دهند. این اظهار نظر که قیام شیخ تجزیه طلبانه بوده است خلاف واقعیات تاریخی می‌باشد. در همینباره کسروی که اصولاً با روحانیت و همچنین با شیخ محمد خیابانی میانه خوبی نداشت، می‌گوید:

خیابانی این می‌خواست که آذربایجان در دست او باشد که جداسرانه فرمان راند؛ و سپس که نیرومند گردید، به سر تهران رفته آنجا را هم اصلاح کند. این می‌بود آرزوی خیابانی. ولی چون نمی‌توانست آن را به زبان آورد به تهران می‌گفت: باید آزادی‌ستان را به رسمیت بشناسید (کسروی ۱۳۸۶؛ ۸۹۶)

هر چند بین نهضت جنگل و قیام شیخ محمد خیابانی شباهت‌های زیادی در هدف و شیوه مبارزات وجود دارد ولی یک تفاوت مهم وجود داشت و آن نوع برخورد با روس‌های سرخ بود. شیخ محمد خیابانی حاضر به هیچگونه مصالحه‌ای با آنها نشد، در صورتی که میرزا کوچک خان با آنها کنار آمد و مصالحه نامه امضا کردند. همین موضوع باعث تسلط کمونیست‌ها بر قیام جنگل و انحراف آن از مدار اصلی شد. در حالی که این انحراف به علت عدم سازش خیابانی با شوروی پدید نیامد. تفاوت دیگر این دو قیام در طول مدت آنها بود.

بعد از سقوط وثوق الدوله و در زمان دولت مشیرالدوله حاج مخبرالسلطنه هدایت به عنوان والی آذربایجان انتخاب شد؛ او پس از ورود به شهر به قزاقخانه رفت و با حمایت آنها قیام خیابانی را سرکوب کرد؛ در همین گیرودار شیخ نیز به قتل رسید. و درباره چگونگی قتل وی نظریات گوناگونی مطرح شده است.

## ۷- محمد تقی خان پسیان

سال ۱۳۰۹ هجری قمری در محله سرخاب تبریز، کودکی به دنیا آمد که نامش را محمدتقی گذاشتند. پدرش، یاور محمدباقر خان پسیان، از ایلات کرد منطقه و مادرش، فاطمه سلطان عزت‌الحاجیه، از همان کودکی در تربیت او کوشیدند. تحصیلات ابتدایی خود را در تبریز به پایان برد و سال ۱۳۲۴ قمری، برای تکمیل تحصیلاتش به تهران آمد و وارد مدرسه نظام شد. او سال ۱۳۲۹ قمری، با درجه نایب دومی وارد خدمت شد و مدارج ترقی را یکی بعد از دیگری طی کرد. سال ۱۳۳۱ قمری وارد مدرسه صاحب‌منصبان ژاندارمری شد و سال ۱۳۳۲ قمری، در جنگ با لرها در بروجرد، شجاعانه جنگید و مجروح شد. (کسری ۱۳۸۸: ۱) محمد تقی خان پسیان در دوران جنگ جهانی اول فرماندهی ژاندارمری را به عهده داشت. او در آن زمان در بعضی از نقاط ایران علیه قوای اشغالگر روس و انگلیس به مبارزه پرداخت و با توجه به مبارزات ضد استعماری در بین مردم از شهرت و اعتبار خوبی برخوردار بود پس از بازگشت از سفر شش ساله به آلمان در زمان صدارت مشیرالدوله به سمت فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب شد. بعد از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش او قوام السلطنه استاندار خراسان را به علت داشتن ارتباط با انگلستان دستگیر و به مرکز فرستاد. از این پس اداره امور استان را به طور مستقیم به عهده گرفت. پس از مدتی ابلاغیه ای از مرکز مبنی بر عدم مداخله در امور سیاسی و ابقا در پست فرماندهی قوای نظامی استان خراسان به وی رسید. در همین فاصله اتفاق بسیاری مهمی افتاد، شخصی که توسط او دستگیر و تحت الحفظ به تهران فرستاده شده بود بعد از سقوط سید ضیاء الدین طباطبایی به صدارت رسید محمد تقی خان پسیان پس از شنیدن این خبر از اطاعت فرامین حکومت مرکزی سر باز زد و اقدام به تشکیل کمیته ملی در مشهد کرد. از این به بعد عده ای از جاسوسان انگلیس در مشهد را دستگیر و مکاتبات کنسولگری انگلیس در مشهد را تحت کنترل خود درآورد استاندار نجد السلطنه را که توسط حکومت مرکزی به خراسان فرستاده شده بود دستگیر کرد و عملاً زمام امور استان را به عهده گرفت. در این زمان عده ای ضمن تلگرافی به تهران درخواست انتصاب رسمی محمد تقی خان را به سمت والی خراسان کردند ولی این درخواست توسط حکومت مرکزی رد شد.

با تسلط کامل او بر خراسان حکومت مرکزی وی را یاغی نام گذاشت و عده ای از قوای نظامی را جهت سرکوب وی عازم خراسان کرد. همزمان قوام السلطنه نامه ای به امیر شوکت الملک حکمران قاینات و سیستان ارسال کرد و از او خواست تا با به کارگیری نیروهای اعزامی از مرکز به سرکوبی پسیان اقدام کند از طرف دیگر خان‌های خراسان را علیه او تحریک کردند. با وجود اینکه محمد تقی خان دارای تجهیزات و نیروهای نظامی فراوانی بود ولی ترجیح داد که با امیر شوکت از در مسالمت وارد شود. به همین سبب قرار ملاقاتی با امیر شوکت و با حضور فرزند آخوند خراسانی مرجع تقلید زمان می‌گذارد. در همین اثنا خبر شورش کردهای قوچان به وی رسید با تعداد اندک به طرف آنها رفت. در همین درگیری عده ای از اطرافیانش کشته شدند خود وی نیز درحالی که در محاصره قرار گرفته بود تا آخرین فشنگ مقاومت کرد و در نهایت در همین درگیری به قتل رسید مردم از شنیدن خبر قتل وی بسیار متأثر شدند جنازه وی را با شکوهی خاص به خاک سپردند و در شهر عزای عمومی برپا شد. (تالشان ۱۳۸۱: ۷۱)

## ۸- امیر کبیر

میرزا تقی خان امیر کبیر فرزند محمد قربان فراهانی بود که از ابتدای جوانی خدمتگذار قائم مقام اول و دوم بوده است. او از کودکی بر اثر هوش و استعداد ذاتی مورد توجه قائم مقام صدراعظم محمد شاه قرار گرفت تا آنجا که در تعلیم و تربیت او تلاش های فراوانی صورت گرفت تا آینده درخشانی در انتظار او باشد پس از اتمام تحصیلات در خدمت محمد خان زنگنه امیرنظام ولیعهد عباس میرزا درآمد و کم کم کارآموده و کاردان گشت. (نیک بین ۱۳۲۸، ۵۱) ایشان بیشتر به عنوان یک فرد نظامی شناخته شده بود ولی اصلاحات وی فراگیر بود.

۱- اصلاحات مالی و اقتصادی: در ابتدای صدارت امیر اوضاع مالی و اقتصادی کشور به طور کامل نابسامان بود بنابراین وی به سرعت با برنامه ریزی به تنظیم امور مالی و اقتصادی پرداخت. بسیاری از حقوق‌های بی مورد را حذف و یا کسر کرد. اولین قدم کسر حقوق خود به عنوان صدراعظم بود. پس از آن حقوق ماهیانه شاه را به ده هزار تومان کاهش داد پس از مدتی توانست حقوق کارمندان دولت که دو سه سال عقب افتاده بود را بپردازد اخذ مالیات که تا آن زمان از نظم خاصی برخوردار نبود را نظم بخشید. بر همین اساس بعضی از مالیات‌های بی مورد را حذف و در بعضی موارد که تا آن زمان هیچگونه مالیاتی اخذ نمیشد مالیات وضع کرد. خلاصه اینکه نظام عادلانه مالیات را حاکم و اهرم‌های لازم برای وصول آن را ایجاد کرد.



برای افزایش درآمد توجه خاصی به کم کردن واردات و افزایش صادرات کرد. در همین راستا به افزایش کمی و کیفی تولیدات داخلی اعم از صنعتی، کشاورزی و معادن توجه ویژه ای مبذول داشت توسعه کارخانه‌های پارچه بافی کاغذسازی، چینی سازی و نیشکر خوزستان و مازندران و معادن همچون قراچه داغ از جمله این اقدامات بود. نتیجه این اقدامات به زودی در جامعه ظاهر شد به طوری که مردم به طرف کالاهای وطنی اقبال بیشتری داشتند کالاهای خارجی رونق خود را از دست دادند. به عنوان نمونه شال‌های امیری بازار شال‌های کشمیری را از رونق انداخت پارچه های ایرانی جای پارچه های خارجی را پر کرد.

«امیر معتقد بود این خیانت به ملت و کشور است که چیزهایی که ممکن است در داخل کشور ساخته شود از خارج وارد گردد و روی همین عقیده، اجازه نمی‌داد برای صنعتی شدن کشور حتی یک روز هم سهل انگاری شود.»

در زمینه معادن معتقد بود که اولاً استخراج معادن باید با استفاده از اصول علمی جدید صورت گیرد تا بدین وسیله بتوان به استفاده بهینه از آنها پرداخت. در ثانی استخراج معادن باید توسط خود ایرانیان صورت گیرد. در این راستا تسهیلاتی نیز ایجاد کرد از جمله به سرمایه هایی که در جهت استخراج معادن به کار برده می شد تا پنج سال هیچگونه مالیاتی تعلق نمی‌گرفت همین مقدمات باعث سرمایه گذاری عظیمی برای استخراج معادن شد. از جمله اقدامات وی در امر کشاورزی سدسازی، (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۳: ۸۲) اصلاح بذر و ترویج کشت محصولاتی همچون پنبه و نیشکر بود.

۲ - اصلاحات نظامی و امنیتی امیر به خوبی پی برده بود که لازمه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور داشتن نیروی نظامی مقتدر می‌باشد به همین سبب توجه خاصی به امور نظامی کشور مبذول نمود همه روزه به سربازخانه‌ها سرکشی می‌کرد و مخفیانه از سربازان در مورد عملکرد افسران و چگونگی پرداخت حقوق سربازان سؤال می نمود. مشق و تعلیمات همه روزه که تا آن زمان متداول نبود را اجباری کرد. برای ایجاد خودکفایی در امر تسلیحات و تجهیزات اقدام به تأسیس زرادخانه کرد. یکی از اقدامات نوین وی که از زمان نادرشاه به بعد سابقه نداشت تشکیل نیروی دریایی بود. این کار هر چند با مخالفت انگلیس روبرو شد ولی خللی در تصمیم او وارد نکرد.

۳ - اصلاحات فرهنگی: در زمینه فرهنگی اقدامات قابل توجهی صورت گرفت. مهمترین اقدام امیر در این رابطه، تأسیس دارالفنون بود که آموزشهای نظامی و غیر نظامی را در برداشت رشته های اولیه مورد نظر وی پیاده نظام توپخانه، معدن، طب و مهندسی بودند امیر فردی به نام جان داود را به اروپا فرستاد تا معلمین مورد نظر از کشور اطریش و یا آلمان دعوت کند در نهایت معلمینی از اطریش جهت تدریس در رشته های مذکور دعوت شدند ورود این معلمین مصادف با برکناری امیرکبیر از صدارت بود. امیرکبیر آنچنان شتابی برای راه اندازی دارالفنون داشت که گویی می دانست چندان فرصتی برای او باقی نمانده است در ذیل یکی از نامه‌هایی که در همین باره به جان داود می نویسد بیان می‌شود.

«البته آن عالیجاه بدون هیچ، معطلی معلمین را برداشته با خود بیاورید. زیادتر از این طول ندهد. باز هم از بابت تأکید به آن عالیجاه مینویسم که خیلی زیاد معطل شده و سفر خود را طول داده به مجرد وصول این نوشته می‌باید دیگر آن عالیجاه معطل نشود و با معلمین عزیمت دربار همایون نماید، که هر قدر زودتر بیاید دیر است معلوم است که به نهج مسطور معمول خواهد داشت. بسیار بسیار زود، با معلمین شرف اندوز دربار همایون خواهد شد. فی ۲۴ شهر رمضان ۱۲۶۷» (آدمیت، ۱۳۶۲، ۳۵۷)

البته باید گفت امیر در تمامی اصلاحات خود تعجیل فراوان میکرد به همین سبب اقداماتی که وی در مدت سه سال و اندی انجام داد حداقل به ده سال فعالیت فشرده و طاقت فرسا نیاز داشت.

از دیگر اقدامات فرهنگی وی نشر روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۸۵۱ م) بود. امیر بسیاری از منتقدین، درباریان رئیس، ایالات و عشایر را به صورت اجباری آبونمان کرد حتی برای بعضی، روزنامه ها را به صورت رایگان ارسال می کرد. (تلاشان ۱۳۸۱: ۷۸)

اقدامات بسیار زیاد دیگری ایشان برای کشور انجام دادند که در متون مختلف در دسترس می باشد. در نهایت بعد از اینکه امیر کبیر را از کلیه امور لشگری و کشوری برکنار نمودند وی را به فین کاشان تبعید کرده و پس از مدت کوتاهی در گرمابه او را به قتل رسانیدند. روحش شاد و یادش گرامی.

## ۹- نتیجه گیری

در بررسی ها و تحلیل های سیاسی و اجتماعی، غالب جریان شناسی های مختلفی که تاکنون از جریان های نخبگانی، روشنفکری و روحانیت به عمل آمده، با ادبیات روشنفکری و متأثر از شاخص های سکولار مدرن صورت پذیرفته اند. در این تحقیق تلاش شد خطوط روشن و صریحی بین ادوار مختلف تطور جریان های مختلف فکری در تاریخ کشید و غالباً دوره های گذار این خطوط را مختل و مبهم می سازند، ولی به لحاظ تحلیلی می توان شاخص هایی را برای تمایز بین آن ها مشخص کرد.

## منابع

۱. ورهام، غلامرضا، (۱۳۶۷) نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران نشر معین

۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۹) مجموعه پنجاه سفرنامه حج قاجاری، ج ۵ تهران نشر علم
۳. ویلهم، فلور، (۱۳۶۸) جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس
۴. میلانی، عباس (۱۳۷۲) ناصرالدین شاه در فرنگ، تهران، مجله ایران شناسی سال پنجم
۵. احمد زاده، محمد امیر (۱۳۹۶) مراحل سه گانه تحول دولت در ایران دوره ناصرالدین شاه قاجار، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء شماره ۳۵
۶. تلاشان، حسن، (۱۳۸۱) تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، قم، صفحه نگار
۷. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۶)، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران: از انقلاب مشروطیت تا انقراض قاجاریه جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۸. ژوبر، پیر آمده امیلین پروب، (۱۳۴۷) مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علی قلی اعتماد مقدم، تهران بنیاد فرهنگ ایران
۹. دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳) مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ های ایران و روس (به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذوالقرنین، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه ایران
۱۰. نیک بین، نصرالله (۱۳۲۸)، شرح احوال امیرکبیر، تهران، ماهنامه اخگر، شماره ۴۸
۱۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۶) دانش نامه سیاسی، تهران، مروارید
۱۲. باقری، علی (۱۳۷۱) جامعه و حکومت در ایران، تهران مرکز نشر بین الملل
۱۳. امین زاده، سلیمان (۱۳۸۹)، آقا محمد خان قاجار صفات و کینه توزی ها فصلنامه زبان و ادبیات فارسی شماره تابستان شماره ۴.
۱۴. لسان الملک سپهر، محمدتقی، (۱۳۷۷) ناسخ التواریخ به اهتمام جمشید کیانفر تهران ف اساطیر
۱۵. نفیسی سعید (۱۳۷۲) تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران، بنیاد
۱۶. خورموجی، محمد جعفر، (۱۳۶۳) حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، نی
۱۷. نوایی، عبدالحسین (۱۳۴۸)، کریم خان زند، تهران، کتابخانه ابن سینا
۱۸. لنزوسکی، جرج (۱۳۵۶) رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، جاویدان
۱۹. کسروی، احمد (۱۳۸۶) تاریخ هیجده ساله ایران، تهران، نگاه
۲۰. کریمی، بهنام (۱۳۸۲) اندیشه قیام شیخ محمد خیابانی، فصلنامه گنجینه اسناد پاییز شماره ۵۱
۲۱. کسری، نیلوفر (۱۳۸۸) قتل محمد تقی خان پسیان، سالنامه یاد ایام شماره ۵۰